

لغات کلیدی و تکمیلی

درس سوم - پایه دهم

“*Key words*”

(*Lesson Three - Vision One*)

تهیه و گردآوری:

جمال احمدی

دبیر دبیرستانهای نمونه شهرستان بوکان / استان آذربایجان غربی

فایل صوتی و ویرایش:

وحید حشمتی

دبیر دبیرستانهای شهرستان آباده / استان فارس

سایر جزوات و مطالب آموزشی در کانال تلگرامی:

@PracticalEnglishInKonkour

شهریور ۱۴۰۱



لغات کلیدی و تکمیلی "درس سوم - پایه دهم"

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
action	اقدام، عمل، حرکت	emphasis	تأکید - تکیه - اصرار
airplane	هواپیما	emphatic	تأکیدی
anything	هیچی، هیچ چیزی - هر چیزی	energetic	پر انرژی، فعال، پر جنب و جوش
ashamed	شرمنده، خجالت زده	everything	هر چیزی - هر کاری
at all	اصلاً، ابداً	experience	تجربه - تجربه کردن
at first	در ابتدا	experiment	آزمایش
at that time	در آن زمان	express	بیان کردن، اظهار کردن - سریع السیر
at the moment	در حال حاضر	face	صورت، چهره - مواجه شدن، روبرو شدن
background	پس زمینه	farmer	کشاورز
be after	به دنبال... بودن	feel	احساس کردن
become	شدن - تبدیل شدن	finally	سرانجام، در نهایت
behave	رفتار کردن	flu	آنفلوانزا
be	بودن	fortunately	خوشبختانه
belief	عقیده، باور، ایمان	full of	پراز
believe	باورداشتن، ایمان داشتن، عقیده	gain	کسب کردن - بدست آوردن
break	شکستن - زنگ تفریح	get around	پخش شدن - شایع شدن
build	ساختن، درست کردن	given	داده شده - ارائه شده
bulb	حباب - لامپ	give up	تسلیم شدن - رها کردن - دست کشیدن از
camera	دوربین	go out	بیرون رفتن - قطع شدن (برق)
carry out	انجام دادن	grave	گور، قبر
change into	تبدیل شدن به، تبدیل کردن به	grow up	رشد کردن، بزرگ شدن
column	ستون (متن کتاب، ساختمان)	hall	راهرو - تالار
come in	وارد شدن، داخل شدن	have fun	خوش گذراندن، تفریح داشتن
cookie	کلوچه	head	سر، کله
cool	عالی، محشر - خنک	hearing	شنوایی
cradle	گهواره - مهد	heavily	به شدت، به طور سنگین (بارش برف و باران)
description	توصیف، وصف - تشریح	herself	خودش (خانم)
destroy	تخریب کردن، نابود کردن	himself	خودش (آقا)
destructive	مخرب، ویرانگر	history	تاریخ
develop	توسعه دادن، گسترش دادن	historian	تاریخ نویس، تاریخ دان، مورخ
do research	تحقیق انجام دادن	holiday	تعطیل، تعطیلی
drive	رانندگی کردن	holy	مقدس
driver	راننده	hospital	بیمارستان
emotion	احساس، عاطفه	hungry	گرسنه
emotional	احساسی، عاطفی	idea	ایده، نظر، عقیده
emotionless	بی احساس	ideal	آرمانی، ایده آل، دلخواه



لغات کلیدی و تکمیلی "درس سوم - پایه دهم"

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
interrogative	(جملات) سؤالی	pass away	فوت کردن، مردن، از دنیا رفتن
into	داخل، به درون	past progressive	(زمان) گذشته استمراری
invent	اختراع کردن	patient (n, adj)	بیمار - صبور
inventor	مخترع	peace	صلح - آرامش
invention	اختراع	place (n, v)	مکان - جا - قرار گرفتن، قرار دادن
itself	خودش (غیر انسان)	poem	شعر
jump out	بیرون پریدن	poet	شاعر
key	کلید	possible	ممکن - احتمالی
kill	کشتن	power	قدرت، نیرو - برق
kitty	بچه گربه	problem	مشکل - مسأله
knowledge	دانش، علم، آگاهی	profit (n, v)	سود، نفع - سود بردن، منفعت کردن
laboratory	آزمایشگاه	prophet	پیامبر، پیغمبر، نبی
language	زبان	publish	منتشر کردن - چاپ کردن
light bulb	لامپ	put aside	کنار گذاشتن
jump out	بیرون پریدن	quickly	به سرعت
math	ریاضی	quit	ترک کردن - رها کردن
meaning	معنی	rainy	بارانی
medicine	دوا، دارو، پزشکی	rapidly	به سرعت
must	باید (اجبار)	rather	نسبتاً
myself	خودم	refinery	پالایشگاه
narrate	نقل کردن - روایت کردن	relate	مربوط بودن - ربط داشتن
narrator	نقل کننده، راوی، روایت کننده	remember	به یاد آوردن
near	نزدیک - کنار	researcher	محقق
negative	منفی	rich	ثروتمند
next door	خانه همسایه - در بغلی	sadly	با ناراحتی، بدبختانه، متأسفانه
noise	سر و صدا	science	علم
noisy	پر سر و صدا، شلوغ	scientist	عالم، دانشمند
no one	هیچ کسی	seek	جستجو کردن - گشتن به دنبال
notice	توجه کردن، متوجه شدن	sense	حس، احساس
novel	رمان، داستان بلند	situation	موقعیت - وضعیت
observe	مشاهده کردن، رصد کردن، رعایت کردن	skill	مهارت، فن
ourselves	خودمان	skillful	ماهر، استاد
over there	آنجا	slowly	به آرامی
pain	درد - ناراحتی، رنج	smoke (n, v)	دود - سیگار کشیدن
painful	دردناک	smoking	استعمال دخانیات
painless	بی درد	solve	حل کردن



لغات کلیدی و تکمیلی "درس سوم - پایه دهم"

	"Persian Meanings"	"Words"	"Persian Meanings"
solution	راه حل	try	سعی، تلاش - امتحان کردن
speaker	گوینده، متکلم	under	زیر
special	ویژه - خاص	unfortunately	بدبختانه، متأسفانه
state	حالت - استان، ایالت - بیان کردن	universe	جهان، دنیا، عالم
still	هنوز - آرام، ساکت	university	دانشگاه
story	داستان	until	تا، تا اینکه
success	موفقیت، کامیابی	value	ارزش، قیمت - ارزش قائل شدن
successful	موفق، کامیاب	valuable	با ارزش
successfully	با موفقیت	wait	صبر کردن، منتظر ماندن
themselves	خودشان	weak	ضعیف - نحیف
think	فکر کردن	week	هفته
thinker	متفکر، اندیشمند	when	چه زمانی، کی - زمانیکه، هنگامیکه
thought	فکر، تفکر	while	در حالیکه، حال آنکه - هنگامیکه، در
thousands of...	هزاران از...	whereas	در حالیکه، نظر به اینکه، از آنجائیکه
together	با هم	yard	حیاط، محوطه - یارد (واحد طول)
translate	ترجمه کردن	yeah	بله، آری
translator	مترجم	yourself	خودت
translation	ترجمه	yourselves	خودتان